

تطفیف شعرا

« تتبع و انتقاد احوال و آثار » « سلمان ساوجی »

موقعی که آخرین اخبار مجله بمطبعه فرستاده میشد کتابی بنام فوق تألیف آقای رشید یاسمی بداره رسید . باحسن تحریر و طرز دلپسند بیان ایشان خوانندگان محترم بوسیله سلسله مقالات راجع بوحشی بافقی که در دوره سال اول مجله منتشر شد آشنا هستند . از طرف دیگر کتاب شرح احوال ابن یمن شاهد حسن سلیقه ایشان در تتبع و انتقاد احوال و آثار شعراست .

کتاب جدید الطبع در ۱۲۹ صفحه راجع باحوال و آثار سلمان ساوجی میباشد که در قرن هشتم هجری میزیسته و از معاصرین خواجه حافظ بوده است .

همانطور که مؤلف در مقدمه کتاب نوشته اند « تهیه تاریخ ادبی ایران وقتی ممکن خواهد شد که احوال شعرا و فضلا فرداً فرد مورد استقصای کامل قرار بگیرد . » آقای یاسمی تا کنون بجستجوی احوال دونفر از شعرای « عصر مغل » پرداخته و منتظریم شرح حال حافظ شیرازی ، خواجوی کرمانی ، عبید زاکان و غیره را نیز که وعده ضمنی داده زودتری منتشر نمایند .

در پایان مقدمه کتاب مینویسند : « . . . ولی بعقیده نگارنده انتقاد نکردن هم برای جامعه مجسر است که بر نیک و بد تألیفات آگاه نمیشود و هم برای مؤلف که بر نقص خود واقف نمیکردد باین جهت از فضلا تقاضا میکنم هر نیک و بدی که در این کتاب هست مورد انتقاد قرار دهند شاید نگارنده برجزئی از عیوب بیکران خود وقوف یابد و احوال یکی از شعرای ایران قرین اصلاح گردد . »

اگرچه ما میل داشتیم مؤلف این کتاب و نویسنده « انتقادات ادبی » در روزنامه محترم شفق سرخ دو کس باشند تا بتوانیم از خود آقای یاسمی با نظر نکته بینی که دارند نقادی کتابرا بخواهیم ، اما اکنون که چنین نیست پس از مطالعه کامل اگر انتقادی داشته باشیم در شماره های آینده خواهیم نگاشت .

۰۱۰۵

ایران‌شاه

زردشتیان چون از ایران مهاجرت کردند و در هندوستان اقامت گزیدند آتشگده ای بنا نمودند و آنرا « ایران‌شاه » خواندند . این مهاجرت در تاریخ ۷۱۶ میلادی بعمل آمد و همانوقت هم آن آتشگده در شهر سنجان که یکی از بلاد گجراتست ساخته شد . اخیراً آقای پورداود اسم ایران‌شاه را بکتابی داده اند که در تاریخ و چگونگی مهاجرت زردشتیان به هندوستان تالیف کرده و یک نسخه از آن با داره مجله آینده فرستاده اند

کسانیکه با آثار نظمی و نثری پورداود آشنا هستند میدانند که در تمام آنها یکروح جذبه و عشقی نسبت بروزگار قدیم ایران و مجد و شوکت از دست رفته ایرانیان هویداست . در کتاب ایران‌شاه هم این روح بخوبی نمایانست . اساس تالیف کتاب قصه منظومه سنجان میباشد که « سراینده » « آن موسوم است به بهمن کیقباد پسر دستور هرمز دیار سنجانا . از نوشته های « پارسیان چنین بر میاید که بهمن کیقباد از خاندان معروف بسیار بزرگ « و دانشمند بوده است بقول خود سراینده در مدت دو بیست سال « از آباء و اجداد خود در نوساری گجرات مسکن دارند قصه سنجان « از روی سنت پارسیان که از زمان دیرین تاریخ مهاجرت خودرا از « سینه بسینه حفظ داشتند از زبان دستور دانا و بزرگی که سمت اوستادی « براینده داشته است ولی اسم او را نمیبرد برشته نظم کشیده شد « در هزار و شش صد میلادی انجام پذیرفت چون قصه سنجان یگانه « سند تاریخی است همه مستشرقین اروپا و پارسیان دانشمند هند در موضوع

« مهاجرت این قصیده^(۱) مختصر را مورد بحث قرار داده اند میتوان « صحت کلیه مطالب آنرا با اندک تفاوتی با دلایل تاریخی ثابت نمود . » این منظومه هر چند ارزش ادبی ندارد و خود گوینده آن بدین مطلب اعتراف نموده گوید « خجل گشتم زخامی سخنها ندارم بهره ای زین گونه فناها » ولی ارزش تاریخی دارد و چنانکه گفته شد یگانه سند تاریخی در موضوع مهاجرت زردشتیان به هندوستان میباشد .

آقای پور داود این منظومه را با پارهای شواهد دیگر ماخذتالیف خود قرار داده و در این راه لازمه کنجکاوی را مبذول داشته اند . اگرچه ایرانشاه کتابی مختصر است و اصل آن سی و چهار صفحه است و ۵۷ صفحه عکس رجال مشهور و ائمه بزرگ زردشتیان هند ضمیمه آن گردیده ولی مؤلف کتاب خود را مصداق « کم گوی و گزینده گوی چون در » قرار داده اند و امیدواریم بتالیف نظائر چنین کتابی موفق شوند م . ع

احصائیه تجارتی ایران

سال ۱۳۰۴

احصائیه مفصلی راجع به (۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ م) بزبان فرانسه از طرف اداره گمرک طبع و نشر شده است و نسخه ای از آن نیز باین اداره رسیده و قابل استفاده است .

ایرادی که در مشاهده سطحی آن بنظر ما رسید و لازم باشاره دانستیم اینست که با وجود داد و فریادی که همه ایرانیان از زیادی واردات نسبت بصادرات دارند این احصائیه را که نگاه کنید درست معکوس انرا نشان میدهد . مثلاً در صفحه ۴ مجموع واردات ایران را ۸۸۱ میلیون و کسری قران نوشته در صورتیکه مجموع صادرات را یک میلیارد و ۵۹ میلیون قران ثبت کرده است ! باین قرار ۱۷۸ میلیون اضافه صادرات ما بوده است ! و حال آنکه چون بدقت احصائیه را مطالعه کنید خواهید دید مجموع

(۱) اگر مؤلف کتاب ایرانشاه (منوی) را بجای (قصیده) استعمال میکردند

صادرات ما در سال ۱۳۰۴ به ۵۲۵ میلیون نمیرسیده و در حقیقت ۳۵۸ میلیون کسری صادرات نسبت بواردات بوده است .

علت این اختلاف آنست که در احصایه صفحه ۴ مقدار نقطی را که انگلیسها از چاههای جنوب استخراج کرده وبدون دادن حقوق گمرکی وبدون اینکه جز صدی ۱۶ حق دولت و مختصر مزد بخورو نمیری که بکار گره های ایرانی میدهند بایران فایده داشته باشد ، جزو «صادرات» آورده است . ما معتقدیم که نقطهای استخراجی از معادن ایران را نباید و نمیتوان حقاً جزو صادرات آورد و خوب است بعد از این اداره گمرک این نکته را در نظر گرفته آنرا در احصایه خود بکلی علیحده ذکر کند . از این گذشته احصایه مذکور حاکی از زحمت تهیه کنندگان آنست که همه گونه قابل قدر دانی است .

۱۰۵ .

خواستن گدائست

از انوری

آن شنیدستی که روزی زیر کی با ابلهی
گفت کین والی شهر ما گدائی بی حیاست
گفت چون باشد گدا آن کز کلاش تکمه
صد چو مارا روزها بل سالها برگ و نواست
گفت ای نادان غلط اینک از اینجا کرده
آنهمه برگ و نوا دانی که آنجا از کجاست ؟
در و مروارید طوقش اشک طفلان من است
لعل و یاقوت ستامش خون ایام شماست !
خواستن کدیه است خواهش عشر خوانخواهی خراج
زانکه کرده نام باشد یک حقیقت را رواست
چون گدائی چیز دیگر نیست جز خواهند گی
هر که خواهد گر سلیمانست و گر قارون گداست .